عاملان آزار و اذیت زنان و دختران جوان دستگیر شدند

راز شیاطین شبگرد!

اختصاصی خراسان

سجاد پور- دو جوان پرایدسوار که با پرسه زنی های شبانه در منطقه غرب مشهد و با شگرد مسافرکشی، دختران جوان و نوجوان را می ربودند و با تهدید به مرگ طعمه هوسرانی های شیطانی خود می کردند در حالی با صدور دستورات ویژه قضایی و تلاش شبانه روزی کارآگاهان پلیس آگاهی به دام افتادند که به خاطر وحشت قربانیان و ساعت ها پرسه زنی در خیابان های تاریک به «شیاطین شبگرد» معروف شده بودند.

به گزارش اختصاصی خراسان، ماجرای پرونده «شیاطین شبگرد» از حدود یک ماه قبل زمانی در مشهد لو رفت که دختر ۱۵ ساله ای با طرح شکایتی در پلیس آگاهی خراسان رضوی مدعی شد، اوایل شب در بولوار امامت مشهد منتظر تاکسی بودم که راننده یک دستگاه پراید سفید رنگ مقابلم توقف کرد، وقتی مسیرم را گفتم از من خواست سوار شوم و سپس به طرف بولوار شریعتی قاسم آباد حرکت کرد. هنوز ۲۰۰ متر جلوتر نرفته بود که جوان دیگری نیز سوار شد و در صندلی جلو نشست. وقتی به بولوار شریعتی نزدیک شدیم ناگهان او به درون کوچه ای دیگر پیچید و مدعی شد اجازه بدهید دوستم را برسانم بعد شما را به بولوار شریعتی می برم. در همین هنگام جوان سرنشین به بهانه این که تشنه است و می خواهد مقداری آب بنوشد به صندلی عقب آمد. او ناگهان تصاویری در گوشی تلفن همراهش را به من نشان داد و گفت: ما پلیس مبارزه با فساد هستیم! و باید شما را به بخش امنیت اخلاقی ببریم! من که ترسیده بودم صدای بیسیم را درون خودرو شنیدم که با رمز صحبت می کرد! آن ها مرا که وحشت زده بودم چند ساعت در خیابان های شهر چرخاندند و در نهایت اوایل بامداد به گوشه ای در جاده بردند و سرنشین خودرو با تهدید چاقو مرا مورد آزار قرار داد و از خودرو پیاده شد اما راننده که مدعی بود مقام پلیسی بالاتر از جوان سرنشین دارد مرا با خودش برد. خیلی ترسیده بودم و تصمیم گرفتم اعتماد او را جلب کنم تا بلایی به سرم نیاورد! در این هنگام دست زخمی ام را که بر اثر چاقوی جوان ۱۹ ساله (سرنشین) خون آلود شده بود به او نشان دادم و گفتم حالم خوب نیست، حالت تهوع دارم! وقتی او خودرو را در حاشیه خیابان متوقف کرد. من در یک لحظه پا به فرار گذاشتم و در تاریکی شب به درون یکی از کوچه ها گریختم و پنهان شدم! گزارش خراسان حاکی است، در پی اظهارات این دختر نوجوان و به دستور سرهنگ جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) پرونده ای در دایره جرایم مهمه اداره جنایی تشکیل شد و بدین ترتیب گروه زبده ای از کارآگاهان با فرماندهی مستقیم سرهنگ محمدرضا غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی پلیس آگاهی) مامور رسیدگی به ماجرای آدم ربایی و آزار و اذیت دختر نوجوان شدند.

از سوی دیگر با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، این پرونده با صدور دستوراتی از سوی مقامات قضایی به شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارجاع شد و توسط قاضی جواد شاکری زیر ذره بین دستگاه قضا قرار گرفت. قاضی شاکری که پیش از این ردای دادستانی یکی از شهرهای خراسان رضوی را نیز بر تن داشت، بلافاصله در لابه لای سطور ماجرای تلخ دختر نوجوان به سرنخ هایی دست یافت که نشان می داد این دختر تنها طعمه پرایدسواران شبگرد نیست و این قصه سر دراز دارد! به همین دلیل رئیس دادگاه پس از مشورت با قاضی «هادی دنیادیده» (مستشار) دستورات محرمانه ویژه ای را با رعایت همه جوانب و زوایای این پرونده حساس صادر کرد.

بنابر گزارش خراسان، این گونه بود که پرونده مذکور در اداره جنایی پلیس آگاهی مورد تجزیه و تحلیل های کارشناسی قرار گرفت. از سوی دیگر با گزارش ماجرا به سلسله مراتب فرماندهی انتظامی، سردار کاظم تقوی (رئیس پلیس خراسان رضوی) ضمن دستورات ویژه انتظامی و راهنمایی های تخصصی کارآگاهان به نظارت مستقیم بر این پرونده حساس ادامه داد و از کارآگاهان خواست همه امکانات اطلاعاتی را برای شناسایی پرایدسواران شبگرد به کار گیرند.

به همین دلیل کارآگاهان به طور ویژه رسیدگی به این پرونده را با تدابیر سردار تقوی آغاز کردند. آنان در اولین مرحله از اقدامات پلیسی و نحوه بازجویی های فنی، به سرنخ هایی رسیدند که نشان می داد؛ دختر دیگری نیز با همین شیوه طعمه شیاطین شبگرد شده اما به خاطر ترس از آبروریزی این راز هولناک را پنهان کرده است.

تصاویر «شیاطین شبگرد» دقایقی بعد از دستگیری

این گزارش حاکی است، بلافاصله کارآگاهان با هماهنگی های قضایی، دختر ۱۷ ساله ای را که دوست یکی از شاهدان صحنه ربودن دختر ۱۵ ساله بود به پلیس آگاهی دعوت کردند. او که از شدت ترس آن ها را «شیطان» لقب می داد به کارآگاهان گفت: شب هنگام در بولوار امامت به همراه دوستم سوار یک دستگاه پراید سفید رنگ شدیم. آن ها دوستم را به مقصد رساندند اما وقتی من تنها در خودرو ماندم، ناگهان تجهیزات پلیسی مانند شوکر و دستبند نشانم دادند و خواستند مرا به مقر انتظامی ببرند ولی آن جوان ۱۹ ساله که مدعی بود سرباز راننده ۲۱ ساله است از خودرو پیاده شد و راننده با تهدید چاقو و شوکر مرا به یک سوئیت اجاره ای در منطقه ۱۷ شهریور برد و تا صبح مرا چندین بار مورد آزار قرار داد اما من که در یکی از مراکز امدادی زندگی می کنم از ترس شکایت

عکس ها اختصاصی خراسان

نکردم! بنابر گزارش اختصاصی خراسان، هنوز عملیات ردیابی کارآگاهان ادامه داشت که دختر جوانی هراسان به پلیس مراجعه کرد و پرده دیگری از ماجرای «شیاطین شبگرد» را فاش کرد. او که مدعی بود از چنگ جوان شیطان صفت، گریخته است درباره چگونگی گرفتار شدن در دام «شیاطین شبگرد» گفت: به همراه دوستم از کتاب فروشی در بولوار امامت بیرون آمدم که راننده یک دستگاه پراید مقابلم توقف کرد. آن ها با توسل به شگرد خاصی دوستم را از خودرو پیاده کردند و با تهدید چاقو مرا ربودند و به سمت جاده ویرانی بردند جوان سرنشین از خودرو پیاده شد و راننده تا ساعت ۳ بامداد مرا مورد آزار قرار داد. او که شوکر و دستبند و چاقو داشت، ادعا می کرد پلیس است من هم از ترس مجبور بودم حرف هایش را بپذیرم. وقتی به بولوار دلاوران بازگشت به طرف صندوق عقب خودرو رفت تا به قول خودش صورت جلسه بنویسد که من در یک لحظه از فرصت استفاده کردم و از چنگ او گریختم! او چند قدم به دنبالم دوید ولی پشیمان شد و با خودرو از محل فرار کرد.

بنابر گزارش خراسان، با اظهارات این دختر، پرونده «شیاطین شبگرد» پیچیده تر شد و اهمیت ویژه ای یافت به همین دلیل گروه کارآگاهان جرایم مهمه با دستورات محرمانه سردار تقوی و راهنمایی های قاضی شاکری، شیوه تحقیقات را تغییر دادند. بررسی ها در این باره ادامه داشت تا این که یک هفته بعد از این ماجرا، زن جوان دیگری با همین شگرد طعمه شیاطین شبگرد شد. اما دوست همراه این زن جوان که فرزند خردسالی نیز دارد، به شگرد دو پرایدسوار شیطان صفت پی برد و چند شماره از پلاک خودرو را حفظ کرد. او سپس پیامکی برای دوستش که در چنگ «شیاطین شبگرد» گرفتار بود، فرستاد و نوشت ماجرا را به پلیس گزارش می دهد!

شیاطین شبگرد که اوضاع را این گونه دیدند باز هم از آزار دست نکشیدند و آن زن را هم مورد تعرض قرار دادند. آن ها سپس گوشی تلفن، انگشتر و مبلغ ۱۴۰ هزار تومان از حساب بانکی طعمه خود را ربودند و او را نیز اوایل بامداد از خودرو بیرون انداختند.

به گزارش اختصاصی خراسان، با به دست آمدن این سرنخ، تلاش گسترده کارآگاهان که به مخفیگاه شیاطین شبگرد نزدیک شده بودند به نتیجه رسید و دو متهم در بولوار صدف و صیاد شیرازی در یک عملیات ضربتی به دام افتادند. تحقیقات بیشتر درباره این ماجرا از سوی قاضی شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی در حالی ادامه دارد که پلیس احتمال می دهد زنان و دختران دیگری نیز طعمه «شیاطین شبگرد» شده باشند.

کلاهبردار اینترنتی با ترفند کمک به خیریه

توکلی- کلاهبرداری که با ساخت سه سایت اینترنتی تقلبی و به بهانه کمک به خیریه از حساب های افراد سرقت می کرد به چنگ قانون افتاد. به گزارش خبرنگار ما، فرمانده انتظامی شهرستان رودبار جنوب در این باره گفت: در پی شکایت تعدادی از شهروندان مبنی بر این که پس از خرید از یک سایت اینترنتی، موجودی حسابشان تخلیه شده است، بی درنگ موضوع در دستور کار ماموران قرار گرفت. سرهنگ "رضا فیروزبخت" افزود: با تحقیقات پلیس مشخص شد فردی سه وبلاگ اینترنتی به عناوین فروشگاه محصولات کامپیوتری، کمک به خیریه، چت تصویری ساخته و پس از این که مشتریان اطلاعات حساب خود را در درگاه های پرداخت این صفحات مجازی وارد می کردند، اطلاعات را ذخیره و موجودی حساب شان را خالی می کرده است. این مسئول انتظامی خاطرنشان کرد: این متهم که پسر جوانی است پس از دستگیری و انتقال به مقر پلیس در اعترافات اولیه به ۱۱ فقره کلاهبرداری به ارزش ۳۰۰ میلیون ریال به این شیوه در منطقه محروم جنوب کرمان اعتراف کرده است. وی هشدار داد: کلاهبرداران با انتشار تصاویر دلخراش از آسیب دیدگان اجتماعی یا بیماران نیازمند، کاربران را به درگاه های جعلی می کشانند و به حساب بانکی آن ها دستبرد می زنند.

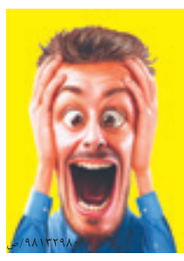

انواع کاپشن
۱۲۹ هزار تومان
کت و شلوار ۱۲۹ . شلوار لی و کتان ۶۹ تومان
بلوار پیروزی، بلوار رضوی، بین رضوی ۸ و ۱۰ فروشگاه تولیدی بزرگمهر
ق/۹۸۱۳۲۹۸

آگهی مناقصه عمومی عملیات برق رسانی چاه شماره ۲۱۹ صمد آباد شهرستان سرخس

آستان قدس رضوی در نظر دارد اجرای عملیات برق رسانی چاه شماره ۲۱۹ صمدآباد شهرستان سرخس را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. جهت مشاهده متن کامل آگهی و شرایط مناقصه به نشانی http://dev.razavi.ir بخش مناقصات مراجعه و حداکثر تا ساعت ۱۲:۳۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ نسبت به تحویل پاکت پیشنهاد قیمت به آدرس مشهد، سازمان مرکزی آستان قدس رضوی، دبیرخانه معاونت اداری و پشتیبانی اقدام نمایید، ضمنا هزینه چاپ آگهی در روزنامه ها برعهده برنده مناقصه خواهد بود.

شماره تماس: ۳۴۵۳۸۶۶۸-۰۵۱ و ۳۲۰۰۱۰۳۹-۰۵۱

ق/۹۸۱۳۶۲۱۹

آگهی مزایده (نوبت دوم)

شرکت قند چناران در نظر دارد:

فروش آهن آلات اسقاط بشرح زیر
۱-آهن آلات اسقاط به وزن تقریبی ۱۰۰ تن
۲- چدن به وزن تقریبی ۴۰ تن
۳-استیل به وزن تقریبی ۳ تن

را از طریق مزایده به متقاضی یا متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید. کلیه متقاضیان محترم میتوانند از روز پنج شنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۰ با مراجعه به شرکت قند چناران ضمن بازدید مورد مزایده، فرمهای مربوط به مزایده را از واحد بازرگانی دریافت و پس از بررسی، پیشنهادات کتبی خود را در پاکات دربسته تا روز پنج شنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۷ به آدرس پستی خراسان رضوی-شهرستان چناران-شرکت قندچناران-کدپستی: ۹۳۶۱۷-۱۳۱۶۹ ارسال نمایند. همچنین فرمهای مزایده از طریق آدرس اینترنتی www.chenaransugar.com قابل دریافت میباشد.

هر متقاضی می بایست مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شمارهٔ ۱۷۰۱۹۰۰۰۰۰۰۲۱۰۹۱۴۰۲۱۰۰۹ بانک صادرات بنام شرکت قند چناران جهت ضمانت شرکت در مناقصه واریز نماید. کلیهٔ پاکتها در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۹ در سالن کنفرانس شرکت گشوده و برنده یا برندگان مزایده معرفی خواهند شد. در صورت ضرورت و بنا به تشخیص کمیسیون معاملات شرکت، مزایده بصورت حضوری برگزار خواهد شد. شرکت در رد یک یا کلیهٔ پیشنهادات مختار است.

شرکت قند چناران

م/۹۸۱۳۶۲۰۲

آگهی مزایده عمومی فروش املاک شهرداری دو نوبتی

نوبت دوم

شهرداری چهاردانگه در نظر دارد بر اساس ماده ۵ آئین نامه مالی شهرداری ها نسبت به برگزاری مزایده عمومی با مشخصات ذیل اقدام نماید.

ردیف	نشانی ملک	متراژ	قیمت کارشناسی (به ریال)	ردیف	نشانی ملک	متراژ	قیمت کارشناسی (به ریال)
۱	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد ۱	۳۷/۷۰ ۱۸/۲۰ بالکن	۸/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۱	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد ۱۳	۲۶/۱۰ ۱۳/۰۵ بالکن	۴/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد۲	۲۰/۹۲ ۱۰/۸۵ بالکن	۳/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۲	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد ۱۴	۲۵/۸۴ ۱۲/۹۲ بالکن	۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد ۳	۳۳/۴۱ ۱۷/۳۲ بالکن	۵/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۳	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد ۱۵	۲۵/۸۴ مغازه ۱۲/۹۲ بالکن	۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۴	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد ۴	۳۳/۴۱ ۱۷/۳۲ بالکن	۵/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۴	واحد اداری کوشک ایرانیان بلوک c طبقه اول واحد ۶	۸۴/۵۵	۴/۳۴۰/۰۰۰/۰۰۰
۵	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد ۵	۳۳/۷۵ ۱۷/۵۰ بالکن	۶/۴۴۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۵	واحد اداری کوشک ایرانیان بلوک c طبقه دوم واحد ۵	۵۰/۷۹	۲/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۶	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد ۶	۲۵/۸۴ ۱۲/۹۲ بالکن	۴/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۶	واحد اداری کوشک ایرانیان بلوک c طبقه دوم واحد ۶	۸۴/۵۵	۴/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۷	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد ۷	۲۵/۸۴ ۱۲/۹۲ بالکن	۴/۳۴۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۷	واحد اداری کوشک ایرانیان بلوک c طبقه دوم واحد ۲	۸۸/۹۴	۴/۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۸	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد ۸	۲۶/۱۰ ۱۳/۰۵ بالکن	۴/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۸	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک B همکف واحد ۷	۲۱/۲۵ ۱۰/۶۲ بالکن	۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۹	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد ۹	۱۶/۱۲ ۸/۰۶ بالکن	۲/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۹	واحد تجاری مجتمع کاوه قطعه ۲ طبقه همکف	۲۴/۱۷ ۱۲/۶۰ بالکن	۳/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۰	واحد تجاری کوشک ایرانیان بلوک c همکف واحد ۱۰	۲۶/۷۳ ۱۳/۳۶ بالکن	۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۰	واحد تجاری مجتمع کاوه واحد تجاری ۳	۲۴/۳۴ مغازه ۱۲/۶۸ بالکن	۳/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰

کلیه متقاضیان می توانند برای دریافت اسناد و مدارک مزایده و ارائه پیشنهاد ظرف مدت ۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم به آدرس بزرگراه آیت اله سعیدی چهاردانگه روبروی سه راهی بوتان خیابان حاجی احمد پلاک ۱۰ ساختمان مرکزی شهرداری- طبقه اول واحد امور قراردادها مراجعه نمایند. تلفن تماس: ۵- ۵۵۲۷۹۲۹۴

توضیحات: ۱- سپرده شرکت در مزایده ۵ ٪ قیمت کارشناسی برای هر قطعه می باشد.
۲- هزینه چاپ آگهی و کارشناسی به عهده برنده مزایده می باشد.
۳- هزینه خرید اسناد مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.
۴- فروش املاک بصورت نقدی می باشد.

امور قراردادهای شهرداری چهاردانگه

تاریخ انتشار نوبت اول ۹۸/۱۱/۳ تاریخ انتشار نوبت دوم ۹۸/۱۱/۱۰

ق/۹۸۱۳۴۲۴۱

در امتداد تاریکی

آهنگ مرگ!

نفس کشیدن برایم دشوار شده بود اما هنوز دردی در بدنم احساس نمی کردم. رهگذران و رانندگان در اطرافم حلقه زده بودند. یکی می گفت: وحشتناک تصادف کرده، دیگری هم از مردنم سخن می گفت تا این که مردی پارچه ای روی سرم کشید و...

جوان ویلچرنشین در حالی که بیان می کرد ۹ ماه از واقعه تلخی می گذرد که نه تنها آرزوهای دوران جوانی ام در شعله های سهل انگاری یک نوجوان ۱۵ ساله سوخت بلکه کمر پدرم شکست و چهره زیبای مادرم با سیل اشک فروریخت افزود درست هشتمین روز از دیبهشت بود که مثل همیشه با صدای دلنشین اذان صبح ا... اکبر گفتم و به نماز ایستادم سپس صبحانه ام را خوردم و آماده رفتن به پادگان شدم. صبح زیبای بهاری وسوسه ام می کرد تا پیاده به محل خدمتم بروم چرا که پادگان در نزدیکی منزلمان بود و من برخی از روزها بدون استفاده از وسایل نقلیه عمومی به پادگان می رفتم تا علاوه بر پیاده روی و ورزش از هوای پاک صبحگاهی نیز بهره مند شوم. از روزی که برای سپری کردن خدمت سربازی وارد پادگان شدم و به اهمیت قوانین راهنمایی و رانندگی پی بردم درباره رانندگی هم وطنانم خیلی حساس شده بودم و از این که می دیدم برخی از رانندگان قوانین ساده ای مانند بستن کمربند ایمنی را رعایت نمی کنند، رنج می بردم. وقتی مادری را مشاهده می کردم که پشت فرمان خودرو، کودک خردسالش را نیز در آغوش گرفته، وحشت زده می شدم!

همواره با خودم می اندیشیدم چرا هنگام رانندگی این همه عجله و شتاب داریم و بعد از دریافت گواهی نامه همه قوانین رانندگی را به فراموشی می سپاریم و ... خلاصه صبح آن روز تلخ هم شاداب و سرزنده مسیر منزل تا پادگان را پیاده طی کردم و مشغول انجام وظیفه شدم. ساعت ۱۴ بعدازظهر وقتی شیفت کاری ام به پایان رسید دوباره لباس شخصی پوشیدم و آماده بازگشت به منزل شدم. یکی دو نفر از دوستانم که با ما هم محله ای بودند اصرار کردند تا با خودروی آن ها به خانه برگردم ولی ظرفیت خودروی آن ها تکمیل بود و من حتی در برابر پافشاری آن ها حاضر نشدم به عنوان سرنشین اضافه سوار خودروی دوستانم شوم. بالاخره با عذرخواهی و قدردانی از لطف و محبت دوستانم با یکی دیگر از هم خدمتی هایم به صورت پیاده راهی منزل شدیم و از قسمت خاکی حاشیه خیابان حرکت کردیم ناگهان با غرش آسمان هوای ابری بارانی شد و قطرات رگباری باران خاک های آسفالت سیاه را شست و شو داد. چند دقیقه طول نکشید که خیابان خیس و لغزنده شد. بسیاری از رانندگان سرعت خودرو را کاهش دادند و به قول معروف با سرعت مطمئنه حرکت می کردند. برف پاک کن ها به حرکت درآمده بود و صدای زیبای باران لذت تنفس در هوای پاک بهاری را صد چندان کرده بود. من و دوستم در زیر قطرات باران مشغول گفت و گو بودیم که در یک لحظه با شنیدن صدای نامتعارف گاز یک خودرو به عقب برگشتم.

نوجوانی پشت فرمان خودرویی قرار داشت و با سرعت به سمت ما می آمد لغزنده بودن خیابان کنترل فرمان را از دستش خارج کرده بود. تسلطی به رانندگی نداشت و مدام فرمان را به این سو و آن سو می چرخاند.

گویی دست و پایش را گم کرده بود و به اشتباه پدال گاز را می فشرد و ناگهان به خود آمدم و خودرو را در چند قدمی خودم دیدم. دوست هم خدمتی ام با یک حرکت خودش را به آن سوی خیابان پرت کرد ولی من راه گریز نداشتم همه این حوادث طی چند ثانیه رخ داد و در یک چشم برهم زدن به طرف آسمان پرت شدم. صدای گریه راننده نوجوان را می شنیدم ولی توان حرکت نداشتم. رانندگان و رهگذران در اطرافم حلقه زده بودند و هر کسی چیزی می گفت. دوستم وحشت زده از مردم کمک می خواست تا این که یک نفر گفت: «تمام کرده است!» و پارچه ای را روی سرم کشید. می خواستم حرکتی بکنم ولی توان هیچ کاری را نداشتم! همه چیز را پایان یافته می دیدم و آهنگ مرگ را حس می کردم که با شنیدن صدای آژیر اورژانس قلبم لرزید.

یکی از نیروهای امدادی فریاد زد: «زنده است! برانکارد بیاور!» خلاصه در حالی از مرگ نجات یافتم که مهره های کمر، جمجمه و پایم شکسته بود و خون ریزی داخلی داشتم. با آن که چند ماه بیشتر به پایان خدمت سربازی ام نمانده بود اما سهل انگاری یک نوجوان و بی توجهی خانواده اش، همه آمال و آرزوهایم را نابود کرد و...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس کرمان

با تهیه فیش حج
به سرزمین وحی سفر کنید
خرید - فروش تمتع - عمره
نبش معلم ۱۳ - پلاک ۱
۰۹۱۵ ۴۵۱ ۱۱۶۸ - ۶۹
ل/۹۸۱۳۰۲۴۳